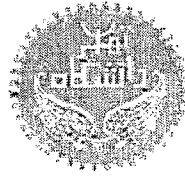




۱۳۳۸۷۲



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه علوم سیاسی

موضوع

نظام انتخاباتی و ثبات سیاسی در افغانستان

نگارش:

اسدالله امیری

استاد راهنما:

دکتر سید احمد موثقی

استاد مشاور:

دکتر سید رحیم ابوالحسنی

۱۳۸۹/۱/۲۸

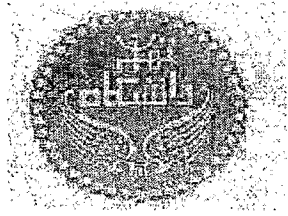
پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

تابستان ۱۳۸۷

انجمن هیات مدیران
کتابخانه مرکزی

۱۳۳۸۶۲



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی علوم سیاسی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: اسداله امیری

در رشته : علوم سیاسی : گرایش :

با عنوان : نقد و بررسی نظام انتخاباتی افغانستان

را در تاریخ : ۸۷/۹/۱۸

| | |
|--------|------------|
| به عدد | به حروف |
| ۱۹۸ | هفتاد و نه |

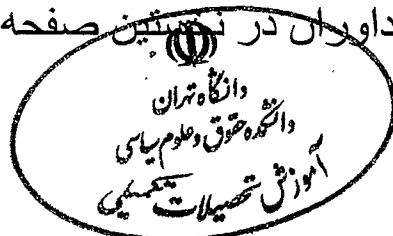
با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

با درجه :

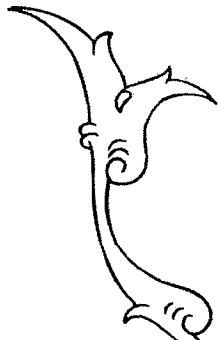
| ردیف | مشخصات هیات داوران | نام و نام خانوادگی | مرتبۀ دانشگاهی | دانشگاه یا موسسه | امضاء |
|------|---|-------------------------|----------------|---------------------------|-------|
| ۱ | استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد): | دکتر سید احمد موثقی | دانشیار | دانشکده حقوق و علوم سیاسی | |
| ۲ | استاد مشاور | دکتر سید رحیم ابوالحسنی | استاد یار | دانشکده حقوق و علوم سیاسی | |
| ۳ | استاد داور (یا استاد مشاور دوم) | دکتر الهه کولایی | استاد | دانشکده حقوق و علوم سیاسی | |
| ۴ | استاد مدعو | | | | |
| ۵ | نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی : | دکتر عبدالرحمن عالم | استاد | دانشکده حقوق و علوم سیاسی | |

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .



اهداء

به روح ماما و مادرم که مهربانی و حقیقت جویی را
آموختند؛ به لبخند پدر، برادران و خواهرانم که ارزش
نفس کشیدن را دادند و به روح شهیدان ره عدالت و
رفع ظلم و تبعیض، آنان که بی نفس شدند تا ما
عزت‌مندانه نفس بکشیم، تقدیم باد.



چکیده

کشور چند قومی افغانستان سال‌های سال در استبداد قومی و بحران قدرت قومی همراه با دخالت خارجی گرفتار بود. آن‌گونه که دوستی و دشمنی، حیات و ممات بر ساختار اجتماعی قومی و منافع قومی استوار گردیده بود؛ هر قوم تامین منافع قومی‌اش را در قبضه کردن قدرت می‌دید. شیوه‌های قابل قبول و مورد پسند همه‌ی اقوام در تصاحب قدرت و جابه‌جایی نخبگان قدرت وجود نداشت؛ با "الحق لمن غلب" هر گروه از هر طریق و هر وسیله‌ای برای رسیدن به قدرت استفاده می‌کرد. جامعه یک "جامعه پراتوری" شده بود.

از ۲۰۰۱ با فشار جهانی و عبرت از خشونت‌های عریان و شکست خورده‌ی انحصارگرایی، قانون اساسی مبتنی بر دموکراسی بنا گذاشته شد. انتخابات و "نظام انتخاباتی SNTV" مینا و شیوه‌ای برای جابه‌جایی قدرتمندان و قدرت طلبان قرار گرفت. تا آن نظام و شیوه در کنش‌های سیاسی کنشگران سیاسی جامعه، یک "هنجار متعارف" شده ثبات سیاسی تامین گردد. نظام انتخاباتی SNTV که بر مبنای اکثریت نسبی با تک رأی غیر قابل انتقال، در حوزه‌های چند کرسی اعمال می‌گردد؛ منجر به فاکتورهای "تمرکز قدرت" ایجاد فضای "اکثریت گرایی" و "اقلیت گرایی" (اکثریت سازی و اقلیت سازی) گردید؛ همان عوامل که منشأ بدبختی و فجایع خونین تاریخ این کشور بوده‌است. چون در این نظام (در عین این‌که بیش از دو سوم آرای مردم تلف شده و مشروعیت انتخابات زیر سؤال می‌برد). اولاً: با اکثریت و اقلیت سازی زمینه "درجه بندی اقوام" (انسان‌ها) سپس حذف اقوام کوچکتر و پراکنده‌تر را فراهم می‌سازد؛ یعنی آن نظام، از طرفی مانع ورود اقلیت‌ها، مناسب با وزنشان در قدرت گردیده و اقوام پراکنده را از عرصه‌های سیاسی محو می‌سازد. آن‌گونه که منجر به عقده و "سرخوردگی اجتماعی" در آن اقوام کوچک می‌شود، از طرف دیگر با پاداش دهی و "جایزه اکثریت"، قومی را با "اکثریت نسبی" را تبدیل به اکثریت مطلق ساخته؛ زمینه استبداد و دیکتاتوری قومی اکثریت نسبی را فراهم می‌سازد. آنگه این بی‌عدالتی و بی‌تناسبی به عقده‌ها و حقارت‌ها از یک طرف و "سلطه جویی قومی" از طرف دیگر منجر می‌گردیده دشمنی و نزاع را سبب سازی می‌کند. ثانیاً چهار "قوم متوازن" در این کشور وجود دارد، قدرت تک تک آن‌ها به حدی نیست که بتوانند به تنهایی و با اتکا به قدرت داخلی خود، بر کل اقوام

دیگر سلطه یابند. از این رو به نیروهای خارجی وابسته می‌شوند تا به قدرت دست یابند. این عنصر گرایش و وابستگی به بیرون، منشا دخالت‌های خارجی شده کشور را صحنه مبارزه و جنگ و عرصه تصفیه حساب‌های قدرت‌های خارجی و فرامرزی قرار می‌دهد. مردم را نیروهای پیش مرگ منافع آنها می‌سازند. آنگه اصل نظام انتخاباتی نه تنها مطرود شده بلکه منشأ فتنه می‌گردد. لذا هر گروه از هر طریق و هر وسیله‌ای علیه یکدیگر استفاده کرده "جامعه پراتوری" شکل خواهد گرفت.

با توجه به ساختارهای قومی و نقاط بحران‌زا در تاریخ افغانستان از یک سوء و پیامدهای مختلف نظام‌های انتخاباتی از سوی دیگر، "نظام انتخاباتی تناسبی غیر فهرستی با برگه رأی ترتیبی" پیشنهاد گردید تا گسترش سطح اشتراک سیاسی همه اقوام در قدرت و تأمین منافع همگان از آن طریق، فراهم شده از استبداد، تمرکز قدرت قومی و پیدایش فضای دشمن ساز "اقلیت سازی" و اکثریت سازی" جلوگیری گردد. این شیوه با تأمین منافع همگان زمینه متناسب و عادلانه سازی مشارکت همه اقوام کوچک و بزرگ در قدرت خواهد شد. از این رو مورد پذیرش قرار گرفته تبدیل به شیوه کنش و "هنجار متعارف" کنشگران سیاسی شده "ثبات سیاسی پویا" را استوار و تأمین خواهد گردانید.

کلیدواژگان

نظام انتخاباتی، ثبات سیاسی، نهادگرایی، پراتورانسیسم، بروکراتیک
اقتدارگرایی قومی، فرهنگ منشوری، نظام تناسبی غیر فهرستی

تقدیر و تشکر

از آنانی که مرا پرسش‌گری آموخت تا حقیقت را یابم، از تمام معلم‌ها و اساتیدم، خصوصاً استاد راهنمایم دکتر موثقی که با علم و دلسوزی مرا رهنمون بود، استاد مشاورم دکتر ابو الحسنی که مشورت عالمانه می‌داد، از بستر سازان علم و فرهنگ خصوصاً مسئولین دانشگاه تهران، کتابخانه‌های دانشکده حقوق و علوم سیاسی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مسئول کتابخانه‌ی AREU کابل و بخش محققان کتابخانه آستان قدس رضوی قدردان و متشکرم؛ علم پروری و نور گستری شان پر دوام باد. از دوستان و یاورانم علی مددی، محمد ناظری و خانواده‌ام سپاس گذارم موفقیت‌هایشان پیش باد.

فهرست اجمالی

| | | | |
|-----|-------|---|-----|
| ۱ | ----- | مقدمه | ۱ |
| ۱ | ----- | طرح مساله | ۱،۱ |
| ۶ | ----- | هدف تحقیق | ۱،۲ |
| ۷ | ----- | متون و منابع موجود | ۱،۳ |
| ۹ | ----- | سؤالات تحقیق | ۱،۴ |
| ۹ | ----- | فرضیه تحقیق | ۱،۵ |
| ۱۱ | ----- | روش تحقیق | ۱،۶ |
| ۱۲ | ----- | ساماندهی تحقیق | ۱،۷ |
| ۱۲ | ----- | فصول اجمالی تحقیق | ۱،۸ |
| ۱۴ | ----- | فصل اول: کلیات، مفاهیم و چارچوب نظری | ۲ |
| ۱۴ | ----- | نظام‌های انتخاباتی | ۲،۱ |
| ۶۶ | ----- | ثبات سیاسی | ۲،۲ |
| ۷۱ | ----- | چارچوب نظری تحقیق | ۲،۳ |
| ۷۷ | ----- | نتیجه | ۲،۴ |
| ۸۶ | ----- | فصل دوم: ساختار سیاسی- اجتماعی، فرهنگی و پیشینه انتخابات در افغانستان | ۳ |
| ۸۶ | ----- | مقدمه | ۳،۱ |
| ۸۷ | ----- | ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی افغانستان | ۳،۲ |
| ۱۲۶ | ----- | پیشینه انتخابات در افغانستان | ۳،۳ |
| ۱۴۲ | ----- | نتیجه | ۳،۴ |
| ۱۵۹ | ----- | فصل سوم: ساز و کارهای انتخاباتی نظام سیاسی افغانستان | ۴ |
| ۱۵۹ | ----- | مقدمه | ۴،۱ |
| ۱۵۹ | ----- | قوانین و مبانی اولیه انتخابات | ۴،۲ |
| ۱۷۶ | ----- | نتیجه | ۴،۳ |
| ۱۸۱ | ----- | فصل چهارم: نظام انتخاباتی و ثبات سیاسی؛ موانع و راهکارها | ۵ |
| ۱۸۲ | ----- | وضعیت معیارهای ثبات سازی در نظام انتخاباتی افغانستان | ۵،۱ |
| ۲۰۳ | ----- | موانع نظام انتخاباتی در تامین ثبات سیاسی: | ۵،۲ |
| ۲۱۵ | ----- | راهکاری رسیدن به نظام انتخاباتی ثبات زا | ۵،۳ |
| ۲۲۲ | ----- | طرح و پیشنهاد | ۵،۴ |
| ۲۲۷ | ----- | نتیجه | ۵،۵ |
| ۲۳۳ | ----- | نتیجه گیری | ۶ |
| ۲۳۹ | ----- | کتابنامه | ۷ |

به نام خدا

فهرست تفصیلی

| | | |
|----|--------------------------------------|-----------|
| ۱ | مقدمه | ۱ |
| ۱ | طرح مساله | ۱،۱ |
| ۴ | علل انتخاب موضوع (اهمیت) | ۱،۱،۱ |
| ۶ | هدف تحقیق | ۱،۲ |
| ۷ | متون و منابع موجود | ۱،۳ |
| ۹ | سؤالات تحقیق | ۱،۴ |
| ۹ | فرضیه تحقیق | ۱،۵ |
| ۹ | فرضیه اصلی | ۱،۵،۱ |
| ۱۰ | مفروضات | ۱،۵،۲ |
| ۱۰ | متغیرها | ۱،۵،۳ |
| ۱۰ | شاخص‌ها | ۱،۵،۴ |
| ۱۱ | روش تحقیق | ۱،۶ |
| ۱۲ | ساماندهی تحقیق | ۱،۷ |
| ۱۲ | فصول اجمالی تحقیق | ۱،۸ |
| ۱۴ | فصل اول: کلیات، مفاهیم و چارچوب نظری | ۲ |
| ۱۴ | نظام‌های انتخاباتی | ۲،۱ |
| ۱۴ | مقدمه | ۲،۱،۱ |
| ۱۵ | مفهوم نظام انتخاباتی | ۲،۱،۲ |
| ۱۶ | فرمول انتخاباتی | ۲،۱،۲،۱ |
| ۱۷ | وسعت و وزن عددی حوزه‌های انتخاباتی | ۲،۱،۲،۱،۱ |
| ۱۷ | آستانه و حد نصاب انتخاباتی | ۲،۱،۲،۱،۲ |
| ۱۸ | ساختار رأی و برگه‌ی رأی | ۲،۱،۲،۱،۳ |

| | |
|---|-------------|
| حوزه بندی یا سهم بندی کرسیها با جمعیت حوزه‌های | ۲۰۱،۲۰۱،۴ |
| انتخاباتی | ۱۹ |
| دستکاری مغرضانه در تنظیم حوزه‌ها: ----- | ۲۰۱،۲۰۱،۵ |
| هم فهرستی یا اتصال رسمی فهرستهای حزبی: ----- | ۲۰۱،۲۰۱،۶ |
| اندازه هیات نمایندگان: ----- | ۲۰۱،۲۰۱،۷ |
| انواع نظام های انتخاباتی | ۲۰۱،۳ |
| نظام‌های انتخاباتی اکثریتی | ۲۰۱،۳،۱ |
| ویژگی‌های نظام انتخاباتی اکثریتی و انواع آن بر اساس فرمول | ۲۰۱،۳،۱،۱ |
| انتخابات | ۲۵ |
| نظام اکثریتی ساده | ۲۰۱،۳،۱،۱،۱ |
| نظام اکثریت دو مرحله‌ای: (Two round systems) | ۲۰۱،۳،۱،۱،۲ |
| نظام‌های ملهم از اکثریت | ۲۰۱،۳،۱،۱،۳ |
| نظام‌های اکثریتی براساس وسعت حوزه‌های انتخاباتی | ۲۰۱،۳،۱،۲ |
| زمینه، شرایط و بستر نظام انتخاباتی اکثریتی | ۲۰۱،۳،۱،۲،۱ |
| پیامدهای نظام انتخاباتی اکثریتی | ۲۰۱،۳،۱،۲،۳ |
| پیامدهای مثبت نظام انتخاباتی اکثریتی | ۲۰۱،۳،۱،۳،۱ |
| معایب نظام اکثریتی | ۲۰۱،۳،۱،۳،۲ |
| نظام‌های انتخاباتی تناسبی | ۲۰۱،۳،۲ |
| ویژگی‌های نظام تناسبی | ۲۰۱،۳،۲،۱ |
| انواع نظام‌های انتخاباتی تناسبی | ۲۰۱،۳،۲،۲ |
| نظام‌های تناسبی فهرستی براساس فرمول انتخاباتی | ۲۰۱،۳،۲،۲،۱ |
| نظام‌های تک رأی انتقالی: (single transferable vote) - | ۲۰۱،۳،۲،۲،۲ |
| پیامدهای نظام انتخاباتی تناسبی | ۲۰۱،۳،۲،۳ |
| پیامدهای مثبت | ۲۰۱،۳،۲،۳،۱ |
| پیامدهای منفی و معایب نظام تناسبی | ۲۰۱،۳،۲،۳،۲ |
| نظام انتخاباتی مختلط یا ترکیبی | ۲۰۱،۳،۳ |
| نظام مختلط تناسبی (ویژگی) | ۲۰۱،۳،۳،۱ |
| نظام مختلط مستقل و موازی | ۲۰۱،۳،۳،۲ |
| پیامدهای نظام‌های انتخاباتی ترکیبی | ۲۰۱،۳،۳،۳ |
| پیامدهای مثبت | ۲۰۱،۳،۳،۳،۱ |

| | | |
|-----|---|-----------|
| ۶۶ | ثبات سیاسی | ۲،۲ |
| ۶۸ | عوامل بی ثباتی سیاسی | ۲،۲،۱ |
| ۶۹ | گونه های ثبات سیاسی | ۲،۲،۲ |
| ۷۰ | شاخص های ثبات سیاسی | ۲،۲،۳ |
| ۷۱ | چارچوب نظری تحقیق | ۲،۳ |
| ۷۱ | نظریه نهادگرایی هانتینگتون | ۲،۳،۱ |
| ۷۵ | تاثیر نظام انتخاباتی بر ثبات سیاسی در چارچوب تئوری نهادگرایی | ۲،۳،۲ |
| ۷۷ | نتیجه | ۲،۴ |
| ۸۶ | فصل دوم: ساختار سیاسی- اجتماعی، فرهنگی و پیشینه انتخابات در افغانستان | ۳ |
| ۸۶ | مقدمه | ۳،۱ |
| ۸۷ | ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی افغانستان | ۳،۲ |
| ۸۷ | ساختار اجتماعی (جغرافیای انسانی) | ۳،۲،۱ |
| ۸۷ | مذاهب | ۳،۲،۱،۱ |
| ۸۸ | زبان | ۳،۲،۱،۲ |
| ۸۹ | نژاد | ۳،۲،۱،۳ |
| ۸۹ | قومیت (تعداد اقوام) | ۳،۲،۱،۴ |
| ۹۴ | هزاره ها | ۳،۲،۱،۴،۱ |
| ۹۵ | ازبک ها | ۳،۲،۱،۴،۲ |
| ۹۵ | پشتون ها | ۳،۲،۱،۴،۳ |
| ۹۶ | تاجیک ها | ۳،۲،۱،۴،۴ |
| ۹۶ | اقلیت های قومی | ۳،۲،۱،۴،۵ |
| ۹۹ | ساختار قومی مبنای تعامل زیستی | ۳،۲،۱،۵ |
| ۱۰۲ | ساختار سیاسی | ۳،۲،۲ |
| | ساختار سیاسی افغانستان قبل از انقلاب ۱۳۵۷ (ساختار | ۳،۲،۲،۱ |
| | پاتریمونالیسم قومی): ۱۰۳ | |
| | ساختار سیاسی بعد از انقلاب ۱۳۵۷ (ساختار ملوک الطوائفی و زور | ۳،۲،۲،۲ |
| ۱۰۵ | آزمایی یا پراتورانسیم) | |
| ۱۰۸ | ساختار سیاسی افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر | ۳،۲،۲،۳ |

| | | |
|-----|--|-------------|
| ۱۰۸ | ساختار سیاسی قانونی | ۳،۲،۲،۳،۱ |
| ۱۰۱ | قوه مجریه | ۳،۲،۲،۳،۱،۱ |
| ۱۰۹ | قوهی مقننه (شورای ملی) | ۳،۲،۲،۳،۱،۲ |
| | ساختار سیاسی واقعی افغانستان، برزخی اقتدارگرای بوروکراتیک قومی | ۳،۲،۲،۳،۲ |
| ۱۱۳ | (پراتورانیسم) و دموکراسی | |
| ۱۱۴ | احزاب سیاسی در افغانستان | ۳،۲،۲،۳،۳ |
| | احزاب نماد سیاسی اقوام و امتداد شکاف‌های متراکم اجتماعی | ۳،۲،۲،۳،۳،۱ |

۱۱۵

| | | |
|-----|--|---------|
| ۱۲۱ | ساختار فرهنگی (جامعه فرهنگی منشوری) | ۳،۲،۳ |
| ۱۲۲ | عوامل اولیه فرهنگی تنوع ساز | ۳،۲،۴ |
| ۱۲۳ | سطح سواد و فرهنگ در نگاه کلی (۱۳۸۶) | ۳،۲،۵ |
| ۱۲۵ | وزارت فرهنگ | ۳،۲،۶ |
| ۱۲۵ | جامعه فرهنگی منشوری افغانستان و گفتمان هژمونیک قومیت | ۳،۲،۷ |
| ۱۲۶ | پیشینه انتخابات در افغانستان | ۳،۳ |
| ۱۲۷ | جرگه یا لویه جرگه | ۳،۳،۱ |
| ۱۳۰ | انتخابات | ۳،۳،۲ |
| ۱۳۲ | واپسگرایی دولت از انتخاب به انتصاب | ۳،۳،۲،۱ |
| ۱۳۳ | دهه دموکراسی و گام به انتخابات قانونی | ۳،۳،۲،۲ |
| ۱۳۴ | کودتای داود علیه دموکراسی و انتخابات | ۳،۳،۲،۳ |
| ۱۳۵ | انتخابات در سایه پیدایش مفهوم عادلانه و ملی | ۳،۳،۲،۴ |
| ۱۳۷ | انتخابات لوی جرگه قانون اساسی بارویکرد قومی | ۳،۳،۲،۵ |
| ۱۴۲ | نتیجه | ۳،۴ |
| ۱۵۹ | فصل سوم: ساز و کارهای انتخاباتی نظام سیاسی افغانستان | ۴ |
| ۱۵۹ | مقدمه | ۴،۱ |
| ۱۵۹ | قوانین و مبانی اولیه انتخابات | ۴،۲ |
| ۱۵۹ | قانون اساسی | ۴،۲،۱ |
| ۱۶۱ | قانون انتخابات | ۴،۲،۲ |
| ۱۶۲ | شیوه اجرایی و چارچوب قانونی نظام انتخاباتی | ۴،۲،۳ |
| ۱۶۴ | نهاد اجرایی و نظارتی انتخابات | ۴،۲،۴ |

| | | |
|-----|--|-------------|
| ۱۶۴ | کمیسیون مستقل انتخابات | ۴،۲،۴،۱ |
| ۱۶۵ | کمیسیون شکایات و تخلفات انتخاباتی | ۴،۲،۴،۲ |
| ۱۶۶ | تشکل و نهادهای سیاسی در قانون اساسی | ۴،۲،۵ |
| ۱۶۷ | قانون احزاب و نهادهای سیاسی | ۴،۲،۵،۱ |
| ۱۶۷ | قانون احزاب | ۴،۲،۵،۱،۱ |
| ۱۶۹ | سطح اشتراک سیاسی در احزاب افغانستان | ۴،۲،۵،۱،۱،۱ |
| ۱۷۳ | سطح نهادمندی احزاب | ۴،۲،۵،۱،۱،۲ |
| ۱۷۶ | نتیجه | ۴،۳ |
| ۱۸۱ | فصل چهارم: نظام انتخاباتی و ثبات سیاسی؛ موانع و راهکارها | ۵ |
| ۱۸۲ | وضعیت معیارهای ثبات سازی در نظام انتخاباتی افغانستان | ۵،۱ |
| ۱۸۲ | سطح اشتراک سیاسی مردم در انتخابات | ۵،۱،۱ |
| ۱۸۳ | نقش نظام انتخاباتی موجود در عدم مشارکت گسترده مردم | ۵،۱،۱،۱ |
| ۱۸۳ | اکثریت گرایی و ناامیدی اقلیتها | ۵،۱،۱،۱،۱ |
| ۱۸۴ | پیدایش و گسترش اختلافات درون قومی و طایفهای | ۵،۱،۱،۱،۲ |
| ۱۸۴ | حذف شایستهها و ناامیدی شایسته طلبان | ۵،۱،۱،۱،۳ |
| ۱۸۵ | فساد و کاندیداهای صوری سوء استفادهگر: | ۵،۱،۱،۱،۴ |
| ۱۸۵ | تهدید کاندیداهای مستقل بدون پشتوانه | ۵،۱،۱،۱،۵ |
| ۱۸۵ | بیاعتمادی مردم | ۵،۱،۱،۱،۶ |
| ۱۸۶ | سردرگمی رأی دهندگان بیسواد | ۵،۱،۱،۱،۷ |
| ۱۸۶ | رقابت قماری شکافزا و فضای غیر اخلاقی | ۵،۱،۱،۱،۸ |
| ۱۸۷ | نظام انتخاباتی و معیارهای نهادمندی | ۵،۱،۱،۲ |
| ۱۸۷ | تطبیق پذیری | ۵،۱،۱،۲،۱ |
| ۱۹۱ | پیچیدگی | ۵،۱،۱،۲،۲ |
| ۱۹۱ | استقلال | ۵،۱،۱،۲،۳ |
| ۱۹۶ | انسجام | ۵،۱،۱،۲،۴ |
| ۱۹۸ | نظام انتخاباتی افغانستان و اجزای آن | ۵،۱،۱،۲،۵ |
| ۱۹۸ | وسعت حوزه انتخاباتی | ۵،۱،۱،۲،۵،۱ |
| ۱۹۹ | آستانه و حد نصاب انتخاباتی: | ۵،۱،۱،۲،۶ |
| ۱۹۹ | ساختار برگه رأی | ۵،۱،۱،۲،۷ |

| | | |
|-----|---|------------------|
| ۲۰۰ | رأی های مفید و تاکتیکی | ۵،۱،۱،۲،۷،۱ |
| ۲۰۰ | حوزه بندی و سهمبندی | ۵،۱،۱،۲،۸ |
| ۲۰۱ | دستکاری مغرضانه در تنظیم حوزهها | ۵،۱،۱،۲،۹ |
| ۲۰۲ | هم فهرستی | ۵،۱،۱،۲،۱۰ |
| ۲۰۳ | اندازه هیأت نمایندگان | ۵،۱،۱،۲،۱۱ |
| ۲۰۳ | موانع نظام انتخاباتی در تامین ثبات سیاسی: | ۵،۲ |
| ۲۰۳ | مانع اجرایی | ۵،۲،۱ |
| | اجرای انتخابات صحیح و عادلانه با کمیسیون وابسته غیر پاسخگو و بدون ناظر | ۵،۲،۱،۱ ۲۰۴ |
| ۲۰۵ | موانع بستری (ساختاری - تاریخی) | ۵،۲،۲ |
| | پیامد اکثریتی نظام انتخاباتی SNTV مانع ثبات و مبنای استبداد و خشونت | ۵،۲،۲،۱ ۲۰۵ |
| ۲۰۵ | تمرکز قدرت قومی ریشه استبداد و نسل کشی | ۵،۲،۲،۱،۱ |
| | عدالت خواهی و مشارکت طلبی در قدرت، ریشه جنگ داخلی | ۵،۲،۲،۱،۲ ۲۰۸ |
| | نظام انتخاباتی اکثریت ساز مبنای تشکیل جامعه پراتوری در نظام چند قومی متوازن | ۵،۲،۲،۲ ۲۱۰ |
| | نظام اکثریتی SNTV زمینه ساز دخالت خارجی در کشور دارای توازن قومی | ۵،۲،۲،۲،۱ ۲۱۴ |
| ۲۱۵ | راهکاری رسیدن به نظام انتخاباتی ثبات زا | ۵،۳ |
| ۲۱۵ | توافق قانونی | ۵،۳،۱ |
| ۲۱۶ | اشتراک سودمند | ۵،۳،۲ |
| ۲۱۶ | نهادمندی | ۵،۳،۳ |
| ۲۲۲ | طرح و پیشنهاد | ۵،۴ |
| ۲۲۲ | نظام مناسب افغانستان: نظام تناسبی غیر فهرستی با برگه رأی ترتیبی | ۵،۴،۱ |
| ۲۲۲ | ساختار و برگه های رأی | ۵،۴،۱،۱ |
| ۲۲۷ | نتیجه | ۵،۵ |
| ۲۳۳ | نتیجه گیری | ۶ |
| ۲۳۹ | کتابنامه | ۷ |

بیش از یک قرن تاریخ کشور افغانستان را جنگ‌ها و خشونت‌های سینوسی و سلسله‌وار شکل می‌دهد. از زمان حکومت شیرعلی خان (۱۸۷۰م) همزمان با رویارویی روس و انگلیس (تسلط روس بر کشورهای آسیای مرکزی و انگلیس بر هند) تقابل اسلام و غرب، سنت و مدرنیته تا تضاد مذاهب و اقوام؛ دامن‌گیر جامعه افغانستان گردید. با روی کار آمدن عبدالرحمن (۱۸۸۰م) تقابل، به شکاف‌های قومی و مذهبی کشید شده؛ به نسل کشی قومی هزاره و نابودی ۶۲٪ شیعیان و قوم ازبک (هم نژادان ازبکستان روسی و عثمانی) انجامید^۱ و در آن متمرکز گردید.

با نهضت مشروطه و حکومت امان الله خان و استقلال افغانستان (۱۹۱۹م)، دست انگلیسی‌ها کوتاه شده، جرقه ترقی با معیارهای بشری در جهت ترمیم شکاف‌های قومی و مذهبی زده شد. در راستای ممنوعیت برده‌گیری، منع غصب اموال اقوام ضعیف و محروم، منع کوچ اجباری و غصب زمین‌ها، گام‌هایی برداشته شد. دیری نگذشت، این گام کوچک اولیه در مردمی شدن قدرت و انکشاف و توسعه‌ای حقوق انسانی و ارزشمندی انسانیت انسان، با سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" انگلیسی، به کمک جهل و تعصب قوم پرستانه آمده، به ظهور حکومت جدیدی انجامید؛ که خود منشأ بحران قومی و سبب تعمیق آن گردید. از این زمان به بعد بر شکاف‌ها و نزاع‌های قومی، مذهبی و لسانی، شکاف‌های سنت و مدرنیته، اقتدارگرایی و مردم سالاری افزوده شده شکاف‌های اجتماعی متراکم گردید.

جامعه افغانستان در میان تضادها و کنش و واکنش‌های عده دموکراسی خواه و اقتدارگرا شاهی، حرکت‌های سینوسی به سوی قانونی شدن قدرت را شروع کرد. با تصویب قانون اساسی ۱۹۶۴م و شکل‌گیری انتخابات فرمایشی و اعلان جمهوری، ظاهراً گام‌های در حل مبنای ریشه‌های خشونت و تضادها برداشته شد.

از آن جهت که انتخابات ظاهری و پوشش دموکرات بر استبداد قومی و وسیله‌ای در رسیدن به قدرت خانوادگی بود، نهادمندی و کارایی لازمه را نداشت؛ انتظارات احزاب سیاسی و قومیت‌های مشارکت طلب را (به علت خانوادگی و قدرت متمرکز قومی) پاسخ نمی‌داد. - حتی از خانواده غیر شاه در آن نقش نداشت چه رسد از احزاب و اقوام دیگر یا ایدئولوژی‌های متفاوت- لذا جنگ‌های رسیدن به قدرت بر اساس معیار قدیمی "الحق لمن غلب" شروع شد. در این فضا عده از قدرت‌های جهانی و

برون مرزی زمینه را مساعد دیده و نیروهای داخلی نیز خود را نیازمند آن‌ها احساس کردند. سیکل طولانی خشونت، جامعه را فراگرفت. حکومت‌های "خلق الساعه" با ایدئولوژی‌های چپ، راست، بنیادگرای اسلامی، دیکتاتوری، فاشیستی، قومی و.. شکل می‌گرفت، بعد با تصفیه‌های خونین، دیگری جای آن می‌نشست. قانون حاکم بر جابه‌جایی نخبگان "رفتن به ارگ بیرون شدن با مرگ" شده بود و بس.

این حکومت‌ها بدلیل فقدان معیار قابل قبول همه‌ی اقوام در تصاحب قدرت اکثراً از طریق زور و غلبه، به قدرت دست پیدا می‌کردند؛ با زور نابود می‌شدند. در فرهنگ این قدرت طلبان، افزودن به تعمیق شکاف‌ها و تشدید خشونت‌های قومی و مذهبی، امکان رسیدن و گرفتن قدرت و تداوم آن را میسر می‌کرد. نبود معیار درست و قانونمند، در رسیدن به قدرت و جابه‌جایی قدرت مندان، در کنار عدم نقش مردم^۲ نه تنها باعث خشونت بین اقوام شد، بلکه باعث خشونت و کشتار درون قومی و درون حزبی نیز گردید.

بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و سقوط حکومت طالبان و کنفرانس صلح بن تمام سران اقوام و احزاب افغانستان با هر نوع نگرش و ایدئولوژی به اصول دموکراسی پای‌بند شدند تا با پذیرش هم دیگر به حاکمیت ملی برسند، نه حاکمیت قومی.

از این‌رو جامعه جدید را بر مبنای انتخابات ادواری و واقعی پی‌ریزی کردند که آن، رکن اصلی و سنگ بنای دموکراسی و مهمترین مکانیزم ظهور اراده عموم مردم است. تا هم، بستر مشارکت همه شهروندان جامعه را در تصمیم‌گیری‌های حاکمان زمینه‌سازی کنند و هم طریقه مسالمت‌آمیز در جهت رسیدن و جابه‌جایی قدرت در نظام سیاسی جدید را نه بر اساس "الحق لمن غلب" بلکه در گرو نظام انتخاباتی قرار دادند. همه اقوام و مذاهب و مردم جامعه با برخورداری از حق رأی مساوی و حق تعیین سرنوشت، خواسته‌ها و نیازمندی‌های‌شان را با مشارکت سیاسی از طریق رأی، تبدیل به قدرت سازند؛ جامعه‌ای دموکراتیک با ثبات بوجود آورند. در قالب نظام انتخاباتی به تقاضاها و نیازمندی‌های‌شان در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و.. جامه عمل بپوشانند.

اکنون نظام انتخاباتی قواعد بازی حاکمیت را در افغانستان شکل می‌دهد. بر اساس کارکرد ذاتی خود ترجمان و تفسیر آراء ریخته شده را به عهده دارد. تعلق کرسی‌ها را به افراد و یا احزاب معین کرده و مشخص می‌کند که چه کسی و چه حزبی از کدام قوم و بر کدام کرسی قدرت و حاکمیت چه مقدار بنشیند.

از آنجا که هر نظام انتخاباتی با اهداف خاص قومی، حزبی، ملی و پی‌ریزی شده، نظام سیاسی خاص را بیار می‌آورد. (مثل نظام انتخاباتی دو گل و تقسیم عمودی حوزه‌های انتخابیه که به حذف کمونیست‌ها انجامید و یا انتخابات ظاهری دیکتاتورها) لذا صرف برگزاری انتخابات نمی‌تواند نشانگر

تجلی اراده واقعی مردم باشد. بلکه تجلی اراده عموم مردم نیازمند رأی دهی آزاد، منصفانه، عادلانه و مناسب با ساختارهای کشور است تا از طرفندهایی که به وسیله آن می‌توان رأی مردم را به نفع خود مصادره کرد و پیامدهای منفی آن را به دیگران سوق داد؛ ممانعت به عمل آید.

بستر اجرای و شرائط مکانی انتخابات در هر کشور متفاوت است. با توجه به آن وضعیت‌های مختلف، هر کشور نیازمند پی‌ریزی نظام خاص است، که با فرهنگ سیاسی و ساختارهای آن جامعه مناسب باشد. بتواند همواره زمینه‌ساز گسترش مشارکت سیاسی مردم، شده ثبات سیاسی را فراهم سازد. ثبات سیاسی، حاکمیت ملی مشروع و نهادینه شدن نظام انتخاباتی در هر کشور، نیازمند سازگاری انتخابات و قوانین آن با ساختارهای اجتماعی (طبقاتی، مذهبی و قومی...) سیاسی و فرهنگی آن کشور است. از این طریق، آن نظام انتخاباتی، مدیریت و اجرای آن، نهادینه گردیده؛ سپس می‌تواند زمینه حضور اقلیت‌ها، زنان، اقوام اصناف و تمام طبقات جامعه را فراهم سازد. ساختارهای فراگیر ملی و کارآمد ایجاد کند، حقوق شهروندی را گسترش دهد؛ مسئولیت‌های دولت و مردم را در قبال هم مشخص کرده هر طرف را مسئول و پاسخگو سازد.

انتخابات برای دموکراسی‌های باثبات و بادوام گرچه شرط لازم است اما شرط کافی نیست؛ چون برای رشد دموکراسی و کارآمدی انتخابات به مبانی و نهادهای دیگر دموکراسی نیز توجه، ضروری است. بدین سبب اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸م در عین این‌که اساس مدیریت دموکراتیک را بر انتخاب نهادهای برگزیده مردم مقرر می‌دارد، سازمان ملل نیز در سند تأسیس خود به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (بند ۳ ماده یک و مواد ۵ و ۵۶ منشور) تأکید می‌کند؛ اما در هر کشور متناسب با شرایطش به ایجاد سازکارهای اولیه برای زمینه سازی و بسترسازی توجه کرده و آن‌ها را محور قرار می‌دهد، تا تحقق عینی ارزش‌های دموکراسی و اهتمام ورزی به رشد مبانی دموکراتیک در آن کشور در بستر انتخابات جاری گردد و بتواند دموکراسی واقعی، ثبات سیاسی و صلح و امنیت فراگیر و بادوام را به بار نشاند.

از این رو این تحقیق مشخص خواهد کرد:

نظام‌های انتخاباتی چه شرایط، بسترها و پیامدهای دارند؟. سپس با توجه به ساختارهای اجتماعی و قومی و سیاسی جامعه افغانستان، نظام انتخاباتی موجود چه نوع نظام با چه سازکاری است؟ معیارها و رویه‌های بین الملل انتخاباتی آزاد و منصفانه در آن چه مقدار رعایت شده؟ آیا این نظام انتخاباتی می‌تواند نهادینه شده با مشروعیت سازی ثبات سیاسی را تأمین کند. یعنی کارآمدی و معیارهای لازم نهادمندی را (با توجه به رأی و مشارکت سیاسی اقوام، اقلیت‌ها، زنان و احزاب، در جهت گرفتن و جابه‌جایی قدرت) داراست. خواسته‌های مختلف اقوام را از طریق بازی سیاسی و راهکارهای قانونی می‌تواند حل و فصل کند؟.

کارآمدی نظام انتخاباتی موجود افغانستان با توجه به استعداد نهادینه شدن آن در جهت تأمین ثبات سیاسی به بررسی گرفته خواهد شد تا مشخص شود، نظام انتخاباتی می‌تواند شکاف‌های قومی، ایدئولوژیکی، حزبی، مذهبی، لسانی را ترمیم کرده، زمینه همگرایی ملی را تسهیل سازد یا نه. ازین رو مشارکت و رضایت همه‌ی اقوام خصوصاً اقلیت‌ها، احزاب، زنان در انتخابات و رسیدن به قدرت بررسی خواهد شد. با توجه به رضایت آنان و حرکت‌های سیاسی و غیر سیاسی (نظامی و...) آنها است که می‌توان فهمید در جهت رسیدن به خواسته‌های خود در این چند سال اعمال کرده‌اند یا می‌کنند؟ آیا آنها در این نظام برآمده از انتخابات، برای حل مشکلات‌شان بیشتر به بازی‌های سیاسی و راهکارهای قانونی روی آورده‌اند؟ یا هنوز به راه‌های غیر دیپلماتیک باور داشته و با تعارض سازی قومی به تعمیق بیشتر شکاف‌ها دامن زده و روحیه واگرایی را در این نظام ترویج کرده و عمل می‌کنند؟

البته فرهنگ سیاسی جامعه، سطح سواد، ساختارهای قبیله‌ای قومی و مذهبی و سکونت به صورت کلی در نظر گرفته می‌شود اما به صورت یک متغیر که نتیجه کاملاً بر مبنای آن قرار داده شود بررسی نخواهد شد.

۱۱،۱ علل انتخاب موضوع (اهمیت)

اهمیت نقش نظام انتخاباتی در ثبات سیاسی افغانستان از آن روست که نظام انتخاباتی هر کشور تعیین کننده قانون بازی و رقابتی است که میان گروه‌های مختلف سیاسی در جریان است. قانون انتخابات مقدار قدرت و نحوه توزیع قدرت میان احزاب، گروه‌های سیاسی و اقوام را در هر جامعه معین می‌کند. بر نوع آرایش سیاسی نیروهای مختلف جامعه اثر می‌گذارد. به طوری که پیدایش و تعداد احزاب، تداوم و چگونگی فعالیت احزاب (در جهت ائتلاف یا پراکندگی)، انتخابات حزبی و یا کاندیداهای مستقل، پیدایش، تقویت و تضعیف آنها به نظام انتخاباتی وابسته است.

اهمیت آن در کیس افغانستان از آن جهت است که احزاب افغانستان با گرایش مختلف ایدئولوژیکی، دینی، مذهبی، قومی، نژادی، سمتی، منافع خاص طبقاتی، (حتی منافع و حمایت قدرت‌ها و کشورهای بیرونی) شکل گرفته‌اند. در گذشته بسیار از آنان، جهت تغییر حکومت‌ها، رسیدن به قدرت و یا حفظ آن جنگ‌ها و کودتاهای خونین، خشونت‌های ضد بشری و نسل کشی انسانی داشته و قلع و قمع قومی را بیار آورده‌اند. (حتی در فضاهای سیاسی درون حزبی با رقابت‌های متنوع و گرایش متعارض یک ایدئولوژی باعث پیدایش خشونت‌های گسترده و سلب امنیت از جامعه گردیدند). آیا امروزه آنان نظام انتخاباتی را سودمند منافع‌شان دانسته و به صورت یک هنجار متعارف و ارزشمند پذیرفته، یا هنوز نه تنها متأثر از همان وضعیت گذشته بوده و می‌باشد، بلکه نظام انتخاباتی موجود را وسیله‌ای سلطه جوی قومی و مضار منافع‌شان می‌دانند؟

از آنجا که نظام انتخاباتی بر نحوه مبارزات انتخاباتی و رفتارهای نخبگان سیاسی ملی یا قومی و پیدایش نوعی فضای سیاسی نقش موثر دارد، و باعث ائتلاف احزاب با حضور در قالب قدرت‌های کلان گشته یا زمینه حضور اقلیت‌ها و احزاب کوچک را تقویت کرده و فراهم می‌سازد. هم می‌تواند احزاب را به مدارا، تساهل و انعطاف پذیری، شایسته سالاری و ملی‌گرایی و هم‌گرایی سوق دهد و هم می‌تواند به اقتدارگرایی، واگرایی و روابط خویشاوندی، قومیت‌گرایی را ترویج کند؛ لذا مهم است دانسته شود که نظام انتخاباتی افغانستان حضور احزاب و اقوام را با هر نوع گرایش چگونه و با چه بازی سیاسی زمینه سازی کرده؛ در جهت ترمیم شکاف‌ها و همگرایی ملی و ثبات سیاسی افغانستان چه اثراتی می‌گذارد؟

دیگر این‌که نظام انتخاباتی نقش به‌سزایی در مدیریت تعارضات (کاهش یا افزایش) آن دارد. می‌تواند هم زمینه حرکت به سوی بازی سیاسی دموکراتیک و کاهش خشونت را برای اقلیت‌ها و مخالفان فراهم سازد، هم می‌تواند زمینه سوق‌دهی به بازی‌های نظامی و غیر دموکراتیک و افزایش خشونت را فراهم سازد. از این‌رو نظام انتخاباتی افغانستان (که بر عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، داخلی و بین‌المللی آن کشور موثر است) نیازمند بررسی است. آیا آن می‌تواند در حال و آینده جوابگوی تقاضای مشارکت سیاسی زنان، احزاب سیاسی و اقلیت‌ها بوده و رسیدن به قدرت را از طریق صندوق‌های رأی فراهم می‌سازد؟ به طوری مشخص یعنی آن نظام حضور اجتماعی و سیاسی اقلیت‌ها و زنان را (که از اصلی‌ترین نقطه بحران را میان حکومت‌های مختلف بنیادگرا، کمونیست، سستی‌ها و لیبرالیست‌ها و روشنفکران بوده‌اند) چگونه و با چه سازکاری در نظر گرفته است؟

دیگر این‌که برای حضور اقلیت‌ها و اقوام غیر پشتون در قدرت چه راهکارسنجیده است؟ (اقوام که به علت عدم توسعه سیاسی، بسته بودن حکومت‌های فاشیستی قومی، قبیله‌ای و خانوادگی گذشته، نه تنها از حقوق سیاسی بلکه از حق انسانی برخوردار نبودند در درجه دوم و سوم تنها خادمان خوب بودند و بس. تلاش و حضور شان در قدرت در گذشته منجر به سرخوردگی و منازعات قومی زیاد گردید). از این جهت نیاز به شناخت نوع ارتباط و جایگاه اقوام غیر پشتون و پشتون و اقلیت‌های مذهبی لسانی در نظام انتخاباتی است. با بررسی و نقش آن‌ها در ثبات سیاسی و یا تزلزل سیاسی، یا در امنیت و ناامنی کشور و با شناخت دقیق و علمی نظام انتخاباتی افغانستانی (سال‌ها رفتار بحران قدرت)، می‌توان فهمید که نظام انتخاباتی خشونت‌ها را کاهش داده و مشوق برای بازی‌های سیاسی می‌گردد؛ یا بحران‌های سیاسی مبتنی بر خشونت را افزایش خواهد داد. یعنی نظام انتخاباتی در تامین ثبات سیاسی و درمان درد مزمن جنگ قدرت، چه مقدار مستعد نهادمندی و تبدیل شدن به هنجار متعارف سیاسی است. بنابراین نقطه عطف تحقیق این است؛ آیا نظام انتخاباتی با توجه به معیارهای نهادمندی و ارزش‌های متناسب با ساختار داخلی و بین‌المللی، می‌تواند رضایت گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی را جلب کند. سپس در کنش‌های سیاسی همه اقوام، آن نظام به صورت یک هنجار متعارف درآمده کارآیی لازم در

دستیابی به وفاق ملی و ثبات سیاسی حاکمیت را (که از مهمترین نیازهای حیاتی افغانستان است) تامین نماید.

۱،۲ هدف تحقیق

هدف از این تحقیق این است که مشخص کنیم نظام انتخاباتی طبق قانون انتخابات مصوب ۱۳۸۲ افغانستان چه نقشی در ثبات سیاسی دارد یعنی:

اولاً: انواع نظام انتخاباتی در چه بسترهایی قابل اجرا است و چه پیامدهایی را ببار می آورد؛ ثانیاً: افغانستان به عنوان بستر نظام انتخاباتی دارای چه نوع ساختارهایی است. با توجه به پراکندگی و شکاف‌های قومی، اختلافات زبانی، مذهبی، حزبی، نظام انتخاباتی موجود چه اثراتی در ایجاد تفرقه‌ها و یا ائتلاف‌ها و مشارکت‌های سیاسی دارد. تجربه انتخابات، پیدایش فرهنگ رقابت دموکراتیک و سیر بازی سیاسی در جامعه (با توجه شرایط و ساختارهای اجتماعی افغانستان) نشانگر مناسب بودن چه نوع نظام انتخاباتی است؟ که بتواند نهادینه شده و زمینه ظهور اراده مردم را به صورت یک هنجار سیاسی در تعیین دولت‌مردان و مقامات کشوری و محلی فراهم سازد؛

ثالثاً: نوع نظام انتخاباتی و سازوکار برگزاری انتخابات در افغانستان به چه صورت است؟. با توجه به معیارها و ویژگی‌های نظام انتخاباتی این نظام انتخاباتی چه نوع نظام است. قوانین، مدیریت و شیوه‌های اجرا در جهت نهادمندی آن چگونه می‌باشد. مطابق با معیارهای نهادمندی، نهادهای سیاسی کنشگر در نظام انتخاباتی از چه سطح نهادمندی و اشتراک برخوردار است.

در نتیجه این سیستم انتخاباتی موجود با توجه به معیارهای نهادمندی، مستعد نهادینه شدن با فرهنگ و ساختار افغانستان است؟. آیا می‌تواند با اقتناع داخلی گروه‌های قومی به عنوان یک هنجار سیاسی متعارف در بازی‌های سیاسی اقوام، آن‌ها را از نظامی‌گری و خشونت‌گریان به سوی همگرایی سوق داده، با ترمیم شکاف‌های مختلف قومی، حزبی، به رفع محرومیت‌ها، تبعیض‌ها و محو بحران‌های سیاسی و اگر ایانه افغانستان منتج گردد؟ آنگه نهادهای ملی و دولت ملی را شکل دهد. یعنی این نظام انتخاباتی می‌تواند با فراهم کردن بسترهایی اظهار وجود برابر و مناسب در قدرت برای همه اقوام، احزاب و بازیگران قدرت، حتی مخالفین را به پای صندوق‌های رأی کشانیده، از خشونت‌ها و فعالیت‌های غیردموکراتیک روی گردان سازد، با نهادینه کردن بازی‌ها و رقابت‌های سیاسی ملی در تخصیص و تغییر کرسی نشینان قدرت بر مبنای هنجاری متعارف انتخاباتی، باعث ثبات سیاسی گردد؟ یا نه این نظام به افزایش شکاف‌ها، تبعیض‌ها و محرومیت‌ها انجامیده باعث افزایش خشونت‌ها و برخوردهای غیر دموکراتیک خواهد شد؟